

منطق

# دروس فی علم المنطق

علامہ محمد رضا المظفر قدس سرہ

(سطح ۲)

## درس ۰۲

تعریف علم منطق



مرکز آموزش های غیر حضوری  
حوزه های علمیه خوارزمیان

---

## شناسنامه درس

---

- عنوان کلی درس: منطق ۱
- منبع درس: محمد رضا المظفر، دروس فی علم المنطق، تحقیق: محمود منتظری مقدم، نشر هاجر
- مبحث: تعریف علم منطق
- شماره درس: ۲
- مقطع تحصیلی: سطح ۲
- استاد:
- آموزشیار: حسین قاسمی
- ناظر تولید: اداره تولید محتوا
- ارزیاب ساختار و محتوا: محمد میثم حقگو
- ویراستار: محمد میثم حقگو
- صفحه آرا:
- نوبت تولید: پیش تولید / تابستان ۹۴



## فهرست

۴	(۱) مقدمه
۵	(۱) متن عربی
۶	(۱) شرح درس
۶	(۲) تعریف علم منطق
۷	(۳) الف) کلمه «مراعاتها»
۷	(۳) ب) کلمه «آلة»
۸	(۳) ج) کلمه «قانونیه»
۹	(۳) د) عبارت «الذهن عن الخطأ فی الفکر»
۱۰	(۱) نمودار بندی
۱۱	(۱) ترجمه
۱۳	(۱) چکیده
۱۴	(۱) آزمون
۱۵	(۱) دانش افزایی
۱۵	(۲) ۱. انواع خطای ذهن
۱۵	(۲) ۲. منطق، دستوری یا توصیفی؟
۱۶	(۲) ۳. فرق علوم مقدماتی و اصالی
۱۶	(۲) ۴. ارتباط منطق با سایر علوم
۱۸	(۱) پژوهش و تمرین
۱۹	(۱) دانش نامه
۲۰	(۱) منابع



## مقدمه

در درس گذشته وجه نیاز به منطق تبیین شد. در این درس علم منطق با توجه به غایت و هدف آن، تعریف می‌شود و قیودی در تعریف ذکر می‌شود که منطق را معرفی کرده و آن را از سایر علوم متمایز گرداند. در ادامه به توضیح این قیود پرداخته و جهت ذکر آن‌ها در تعریف را شرح می‌دهیم. از آن‌جا که این تعریف، تعریف به غایت است، تکمیل کننده بحث درس گذشته بوده و وجه نیاز به منطق را با توجه به فایده آن، بیشتر توضیح می‌دهد.

ذکر تعریف در هر علم از آنجا حائز اهمیت است که محدوده و مرزهای علم را مشخص کرده و از طرح مباحث استطرادی و بی ارتباط با آن علم جلوگیری می‌کند.

تعریف منطق سابقه‌ای طولانی دارد و به آثار ابن سینا<sup>۱</sup> می‌رسد. تعریف وی در آثار خواجه طوسی<sup>۲</sup> و قطب الدین شیرازی<sup>۳</sup> نیز مشاهده می‌شود؛ ولی منطق دانان متأخر مانند مولی عبدالله<sup>۴</sup> و میرسیدشریف<sup>۵</sup> و کاتبی<sup>۶</sup>، به شکل جدید و با قیود کاملتری تعریف نموده‌اند.<sup>۷</sup>

از دانش‌پژوه محترم انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتواند:

۱. علم منطق را به صورت دقیق تعریف کند؛
۲. قیود مختلف در تعریف علم منطق را تبیین کند؛
۳. فرق علوم آلی و اصالی را توضیح دهد؛
۴. ابزاری بودن علم منطق را شرح دهد.



<sup>۱</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۲</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۳</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۴</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۵</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۶</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۷</sup>. ر.ک: ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ الشفاء؛ ج ۱ ص ۱۶ / مولی عبدالله، شهاب الدین حسین؛ الحاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۱ / طوسی، خواجه نصیر الدین؛ اساس الاقتباس؛ ص ۵ / جرجانی، میر سید شریف؛ التعریفات؛ ص ۱۰۲ / قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود؛ درة التاج؛ ص ۲۵۳ / کاتبی قزوینی، نجم الدین علی؛ الرسالة الشمسیه؛ ص ۳.



## متن عربی

تعریف علم المنطق

و لذلك عرفوا علم المنطق بأنه: «آلة قانونية تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ في الفكر». فانظر إلى كلمة «مراعاتها» و اعرف السرّ فيها، فليس كلّ من تعلّم المنطق عصم عن الخطأ في الفكر، كما أنّه ليس كلّ من تعلّم النحو عصم عن الخطأ في اللسان، بل لا بدّ من مراعاة القواعد و ملاحظتها عند الحاجة، ليعصم ذهنه أو لسانه. المنطق آلة

و انظر إلى كلمة «آلة» في التعريف و تأمل معناها، فتعرف أنّ المنطق إنّما هو من قسم العلوم الآلية التي تستخدم لحصول غاية، هي غير معرفة نفس مسائل العلم، فهو يتكفّل ببيان الطرق العامّة الصحيحة التي يتوصّل بها الفكر إلى الحقائق المجهولة. و ببيان أوضح: فهو علم يعلمك القواعد العامّة للتفكير الصحيح حتّى ينتقل ذهنك إلى الأفكار الصحيحة في جميع العلوم الاستدلالية، فيبين لنا على أية هيئة و ترتيب فكري تنتقل من الصور الحاضرة في ذهنك إلى الأمور الغائبة عنك؛ و لذا سمّي المنطق بـ «الميزان» و «المعيار» و «خادم العلوم»<sup>۱</sup>.



<sup>۱</sup> مظفر، محمد رضا؛ دروس فی علم المنطق؛ ص ۱۱ - ۱۲

## شرح درس ۱

در این درس به تعریف علم منطق<sup>۲</sup> و توضیح قیود به کار رفته در این تعریف می‌پردازیم.

## تعریف علم منطق

پس از این که با فایده علم منطق و وجه احتیاج ما به آن آشنا شدیم و دانستیم که منطق در بخش تصورات<sup>۳</sup>، روش صحیح تعریف کردن و در بخش تصدیقات<sup>۴</sup>، روش صحیح استدلال<sup>۵</sup> کردن را به ما می‌آموزد، اینک با تعریف علم منطق آشنا می‌شویم.

مقدمه: تعریف یک علم سه گونه است:

الف) تعریف به موضوع: مثل اینکه در تعریف ریاضیات گفته شود: علمی است که از احکام و عوارض کمیت<sup>۶</sup> (مقدار) بحث می‌کند.

ب) تعریف به مسائل: مثل اینکه در تعریف ریاضیات بگوییم: علمی است که از جمع، تفریق، ضرب، تقسیم، جذر<sup>۷</sup> و... بحث می‌کند.

ج) تعریف به غایت و فایده: مثل اینکه در تعریف ریاضیات بگوییم: علمی است که از آن برای سهولت و دقت در محاسبات استفاده می‌کنیم.

تعریفی که مصنف (ره) در اینجا برای منطق آورده‌اند از قسم سوم است. ایشان همانند منطقیان مشهور، در تعریف منطق گفته‌اند: «المنطق آلة قانونية تعصم مراعاتها الذهن عن الخطا فی الفكر»<sup>۸</sup>.<sup>۹</sup>  
در این تعریف چهار نکته وجود دارد که به ترتیب باید بررسی شوند:

<sup>۱</sup> در تدوین شرح درس از منبع زیر استفاده زیادی شده است: محمدی، علی؛ شرح منطق مظفر؛ ج ۱، ص ۱۶ - ۱۹

<sup>۲</sup> ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۳</sup> ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۴</sup> ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۵</sup> ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۶</sup> ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۷</sup> ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۸</sup> «منطق ابزاری از سنخ قانون است که رعایت کردن آن، ذهن را از لغزش در اندیشه مصون می‌دارد». (مظفر، محمد رضا؛ منطق؛ ترجمه و اضافات علی شیروانی؛ ص ۲۱)

<sup>۹</sup> ر.ک: مولی عبدالله، شهاب الدین حسین؛ الحاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۱ / علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ القواعد الجلیه؛ ص ۱۸۷ / قطب الدین رازی، محمد بن محمد بن ابی جعفر؛ تحریر القواعد المنطقیه؛ ص ۵۲ / جرجانی، میر سید شریف؛ التعریفات؛ ص ۱۰۲ / قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود؛ درة التاج؛ ص ۲۵۳.

## الف) کلمه «مراعاتها»

علم منطق، علمی نیست که به مجرد دانستن قواعد و آشنایی با مسایل آن، به طور جبری و اتوماتیک، ذهن انسان از خطای در اندیشه<sup>۱</sup> مصون بماند، و از آفات اندیشه رهایی یابد. بلکه در قدم اول آشنایی با این قواعد، و در قدم دوم، با مراعات و به کار بستن آن قواعد با دقت هرچه تمام تر در جای خود، می توان نتیجه مطلوب را به دست آورد. چنان که صرف دانستن قواعد ادبیات عرب موجب نمی شود که آدمی به صورت جبری از خطای در سخن گفتن مصون بماند، بلکه دانستن و به کار بستن آن قواعد، نقش اساسی را ایفا کرده و این نتیجه را می دهد.

پیش تر از این به این نکته اساسی اشاره شد که نفس دانستن، کافی نیست، بلکه عوامل بسیاری ممکن است موجب خطای فکر شود.<sup>۲</sup>

## ب) کلمه «آلة»

کلمه «آلة» اشاره به این است که منطق از علوم و دانش های آلی است.

بیان مطلب: دانشمندان برای علوم، تقسیماتی ذکر نموده اند که بر اساس یکی از این تقسیمات، علوم دو گونه اند:

۱. علوم اصلی یا اصالی؛

۲. علوم آلی یا مقدماتی.<sup>۳</sup>

علوم اصالی عبارتند از: دانش هایی که مقصود اصلی و مطلوب بالذات بوده و غرض از تحصیل آنها خود آن علوم می باشند نه علم دیگر و اصل معرفت و آگاهی به آن مسائل، هدف است، نه این که فراگیری آنها مقدمه ای برای علوم دیگر باشد. همانند علم فلسفه<sup>۴</sup> که در آن، شناخت وجود و هستی و آگاهی از احوال و عوارض آن مطرح است.

علوم آلی یا مقدماتی عبارتند از: دانش هایی که دانستن قواعد و مسائل آنها غرض نیست و خود آنها مقصود بالذات نیستند، بلکه صرفا وسیله و ابزاری برای هدف دیگری هستند؛ مثلا قواعد صرفی و نحوی به منظور حفظ زبان از خطا در گفتار است، و گرنه صرف یادگیری این قواعد، ارزشی ندارد؛ یا هدف از قواعد علم اصول فقه عبارت است از آگاهی مجتهد از قواعد استنباط احکام و سپس به کارگیری آنها در مقام اجتهاد و استنباط و گرنه نفس آموزش این قوانین به خودی خود مطلوبیتی ندارد. هم چنین است قواعد علم رجال<sup>۵</sup>، حدیث<sup>۶</sup> و مانند آن.

منطق از جمله علوم آلی است؛ یعنی هدف آن، شناخت خود مسائل و قواعد منطقی نیست، بلکه هدف اصلی از آن، به کارگیری آنها در مقام تعریف و استدلال است. فیلسوف، اصولی، ریاضی دان، طبیعی دان و هر استدلال کننده دیگر در مقام استدلال، برای مراد خودش از این قواعد استفاده کرده و استدلال خود را براساس موازین منطقی بازگو و تنظیم

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد انواع خطای اندیشه، ر.ک: دانش افزایی، عنوان «انواع خطای ذهن».

۲. ر.ک: مظفر، محمد رضا؛ دروس فی علم المنطق؛ ص ۱۱.

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد تفاوت این دو دسته از علوم، ر.ک: دانش افزایی، عنوان «فرق علوم مقدماتی و اصالی».

۴. ر.ک: دانش نامه.

۵. ر.ک: دانش نامه.

۶. ر.ک: دانش نامه.

می‌کند تا بتواند بر حقایق مجهول فائق آمده و هرچه بیشتر بر معلومات خویش بیفزاید. بنابراین اگر از قواعد منطقی مطلع نباشد، استدلال‌هایش بی‌ارزش خواهد بود و اگر این قواعد را نتواند به کار گیرد، دلایلیش ارزشی نخواهد داشت، هرچند به طور تصادفی به حقیقت برسد.<sup>۱</sup>

### ج) کلمه «قانونیه»

ابزار و واسطه کار بر دو قسم است:

۱. ابزار و وسیله امور جزئی و خاص، از قبیل تیشه که ابزار هیزم‌کنی است، تبر، که وسیله جدا کردن است.
  ۲. ابزار امور کلی و عام، از قبیل صرف<sup>۲</sup> و نحو<sup>۳</sup> که برای حفظ زبان از خطای در سخن گفتن به کار می‌رود و قواعد معانی<sup>۴</sup> و بیان<sup>۵</sup> و بدیع<sup>۶</sup> که برای فصاحت و بلاغت لازم است.
- منطق از قسم دوم است؛ یعنی وسیله‌ای است قانونی و عام و کلی. یعنی قواعد منطق، یک سلسله راه‌ها و روش‌های عام و کلی در اختیار ما می‌گذارد که برای همه علوم و دانش‌های استدلالی سودمند، بلکه لازم است. در همه علوم اعم از: فلسفه، کلام<sup>۷</sup>، فقه، اصول، تفسیر<sup>۸</sup>، حدیث، رجال، ریاضیات<sup>۹</sup>، و علوم طبیعی از قبیل: طب<sup>۱۰</sup>، فیزیک<sup>۱۱</sup>، شیمی<sup>۱۲</sup> و... این قواعد کاربرد دارد.<sup>۱۳</sup> در همه علوم استدلالی، منطق به ما می‌آموزد که چگونه از معلومات و اندوخته‌های پیشین خود استفاده کرده، و با چینش‌های خاصی به معلومات تازه‌تری دست یابیم.<sup>۱۴</sup>
- بر همین اساس منطق را «خادم العلوم»<sup>۱۵</sup> گفته‌اند، یعنی خدمت‌گزار همه علوم و دانش‌های اکتسابی و استدلالی؛ چون تمامی این علوم بدان نیاز دارند و منطق مقدمه همه آنهاست؛ اگرچه بیشتر در فلسفه کاربرد دارد و معروف این است که منطق مقدمه فلسفه است، ولی منحصر به فلسفه نیست، بلکه در همه علوم استدلالی کاربرد دارد.

۱. چنان‌که «علم جبر» نیز که یک علم آلی است از شیوه‌های حل معادلاتی گفت‌وگو می‌کند، که ریاضی‌دان به وسیله آن نادانسته‌های حسابی (مربوط به علم حساب) را معلوم می‌سازد.

۲. ر.ک: دانش‌نامه.

۳. ر.ک: دانش‌نامه.

۴. ر.ک: دانش‌نامه.

۵. ر.ک: دانش‌نامه.

۶. ر.ک: دانش‌نامه.

۷. ر.ک: دانش‌نامه.

۸. ر.ک: دانش‌نامه.

۹. ر.ک: دانش‌نامه.

۱۰. ر.ک: دانش‌نامه.

۱۱. ر.ک: دانش‌نامه.

۱۲. ر.ک: دانش‌نامه.

۱۳. برای مطالعه بیشتر در مورد آلی بودن منطق و ارتباط آن با سایر علوم، ر.ک: دانش‌افزایی، عنوان «ارتباط منطق با سایر علوم».

۱۴. منطق از آن رو قانون است که مسایل آن قوانین کلی‌ای است که بر جزئیات منطبق می‌شود (منطق، ت شیروانی، ج ۱ ص ۱۹، پاورقی ۱ از غلامرضا فیاضی)

۱۵. نخستین بار ابن سینا منطق را خادم العلوم «خدمت‌گزار دانش‌ها» نامید و فارابی آن را «رئیس العلوم» خواند. (منطق ت شیروانی، ص ۲۴ پاورقی از علی شیروانی)



منطق را میزان نیز گفته‌اند که مشتق از وزن است و وزن به معنای سنجش و کشیدن است. میزان اسم آلت و به معنای ابزار کشیدن یا ترازو است. هم‌چنین به این علم «معیار» و «مقیاس» گویند که به معنای وسیله عیارسنجی و مقایسه کردن است.

### د) عبارت «الذهن عن الخطأ فی الفكر»

این کلمه، فصل<sup>۱</sup> اخیر (آخرین قید) تعریف منطق است و آن را از سایر علوم آلی (از قبیل صرف و نحو) جدا می‌کند؛ زیرا صرف و نحو نیز در «آلة قانونیة تعصم مراعاتها» مشترک‌اند، ولی فصل اخیر صرف و نحو این است که: «اللسان عن الخطأ فی المقال» و فصل اخیر منطق این است «الذهن عن الخطأ فی الفكر». این که قید «فی الفكر» در تعریف آمده بدان جهت است که ذهن انسان چندین کار انجام می‌دهد که یکی از آنها فکر کردن است.<sup>۲</sup>

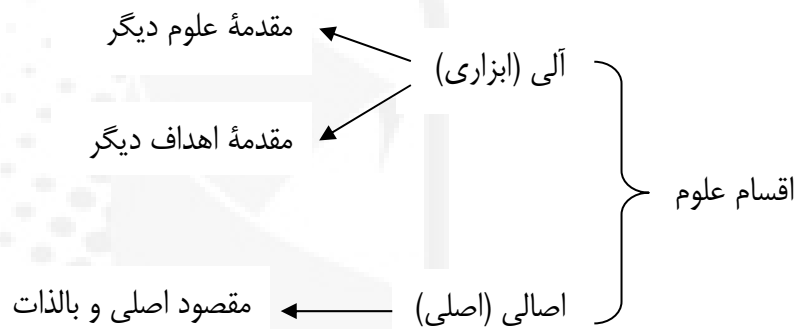
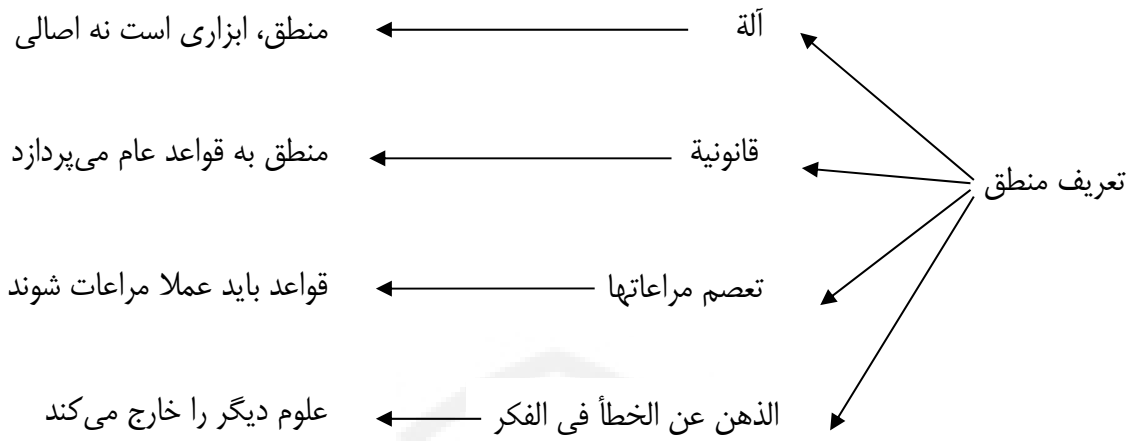
علم منطق معرفتی است مبین قواعد عام اندیشه. بنابراین، منطق مانند بسیاری از علوم بشری، حکم جزئیات تحت پوشش خود را مشخص می‌کند؛ همان گونه که قانون نحوی هر فاعلی مرفوع است بیان می‌دارد: هرگاه اسمی فاعل جمله واقع شود مرفوع خواهد بود؛ بر همین اساس، این قانون منطق، که تعریف باید نزد مخاطب، مفهومی روشن‌تر و شناخته شده‌تر از معرف داشته باشد نیز بیانگر قانونی کلی و عام است که هرگاه در مقام تبیین یک صورت مجهول برآمدم باید تعریف، وضوح و روشنی بیشتری داشته باشد تا مخاطب از آن سود برد و آگاهی جدیدی به دست آورد. پس چنان که در تعریف ذکر شد، قوانین منطق علاوه بر این که ابزار تلقی می‌شوند، کلیت و شمول نیز دارند. و از آن رو که بیان‌گر قانونی عقلی‌اند هیچ گاه قابل استثنا نیستند. پس، پاسخ این شبهه معروف: اگر منطق اندیشه را از خطا باز می‌دارد، پس چرا منطقیون خود از خطای در اندیشه مصون نیستند؟ نیز روشن می‌شود؛ زیرا برای منطقی اندیشیدن، صرف دانستن منطق کافی نیست، بلکه به کار بستن آن نیز لازم است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> ر.ک: دانش نامه.

<sup>۲</sup> مظفر، محمد رضا؛ دروس فی علم المنطق؛ ص ۱۲

<sup>۳</sup> منتظری، محمود؛ منطق ۱، ص ۴-۵

## نمودار بندی



ترجمه<sup>۱</sup>

## تعریف علم منطق

تعریف علم المنطق

تعریف علم منطق

و لذلك عرفوا علم المنطق بأنه: «آلة قانونية تعصم<sup>۲</sup> مراعاتها الذهن عن الخطأ في الفكر».

از این رو<sup>۳</sup> است که در تعریف علم منطق آورده‌اند: «منطق ابزاری از سنخ قانون است که رعایت کردن [و به کارگیری] آن، ذهن را از لغزش در اندیشه مصون می‌دارد».

## الف: کلمه «مراعاتها»

فانظر إلى كلمة «مراعاتها» و اعرف السرّ فيها، فليس كلّ من تعلّم المنطق عصم عن الخطأ في الفكر.

در این تعریف در واژه «مراعاتها» (= رعایت کردن آن) دقت کنید، و نکتهٔ آوردن این واژه در تعریف را، [که پیش از این نیز بدان اشاره شد] بشناسید. چنین نیست که انسان تنها با آموختن منطق از لغزش در اندیشه مصون ماند. کما أنه ليس كلّ من تعلّم التحو عصم عن الخطأ في اللسان، بل لابدّ من مراعاة القواعد و ملاحظتها عند الحاجة، ليعصم ذهنه أو لسانه.

همان گونه که فراگیری دستور زبان، به تنهایی، موجب نمی‌شود انسان در گفتار خویش خطا نکند؛ بلکه برای مصون و محفوظ ماندن از خطا و لغزش در ذهن و زبان، آدمی باید هنگام نیاز، قواعد و قوانین این علوم را به کار گیرد، و آن را از نظر دور ندارد.

## ب) کلمه «آلة»

المنطق آلة

منطق ابزار است

و انظر إلى كلمة «آلة» في التعريف وتأمل معناها، فتعرف أنّ المنطق إنّما هو من قسم العلوم الآلية التي تستخدم لحصول غاية، هي غير معرفة نفس مسائل العلم

۱. در تدوین ترجمه عبارت از این منبع استفاده زیادی شده است: مظفر، محمد رضا؛ منطق؛ ترجمه و اضافات علی شیروانی؛ ج ۱ ص ۲۱ - ۲۳

۲. تعصم: از ماده عصم به معنی دفع و منع از شر و بدی است. (ر.ک: فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ ج ۱، ص ۳۱۳ / ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱۲، ص ۴۰۳)

۳. از این جهت که غرض و فایده علم منطق، تصحیح افکار و جلوگیری از خطا در فکر و اندیشه است، علم منطق را این گونه تعریف نموده‌اند. در واقع این تعریف، تعریف به غایت است.



اگر در واژه «آلة» (= ابزار) در تعریف فوق دقت و تأمل کنید، به این نکته پی می‌برید که منطق در شمار «علوم آلی» است. علوم آلی به آن دسته از دانش‌ها گفته می‌شود که برای دستیابی به هدفی، غیر از شناخت مسایل آن علم، به کار گرفته می‌شوند.

### ج) کلمه «قانونیة»

فهو يتكفل ببيان الطرق العامة الصحيحة التي يتوصل بها الفكر إلى الحقائق المجهولة. بنابراین منطق عهده‌دار بیان راه‌های صحیح عام و فراگیری است که فکر و اندیشه به وسیله آن، به حقایق نامعلوم دست می‌یابد.

### د) عبارت «الذهن عن الخطأ في الفكر»

و ببيان أوضح: فهو علم يعلمك القواعد العامة للتفكير الصحيح حتى ينتقل ذهنك إلى الأفكار الصحيحة في جميع العلوم الاستدلالية.

به بیانی روشن‌تر: علم منطق به انسان قوانین عام و فراگیر اندیشیدن صحیح را می‌آموزد، تا ذهن آدمی در همه علوم و معارف استدلالی به افکار و اندیشه‌های درست منتقل شود.

فیبين لنا على أية هيئة و ترتيب فكرى تنتقل من الصور الحاضرة في ذهنك إلى الأمور الغائبة عنك.

علم منطق به شما می‌آموزد که بر چه هیأت و ترتیب فکری از صورت‌های حاضر در ذهن<sup>۲</sup> به امور غایب و پنهان از ذهن گذر کنید.

و لذا سمى المنطق بـ «الميزان» و «المعيار» و «خادم العلوم».

و به همین جهت این دانش «میزان» و «معیار» و «خدمت‌گزار علوم» نامیده شده است.



<sup>۱</sup> يتوصل: فعل مضارع از باب تفعّل و از ماده وصل است به معنی اتحاد دو یا چند چیز با هم‌دیگر و متصل شدن؛ و ضد انفصال است. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات؛ ج ۱ ص ۸۷۳)

<sup>۲</sup> در این تعبیر اشاره است به اینکه منطق تنها به «صورت» استدلال می‌پردازد، و قواعد و احکام آن را بیان می‌کند. اما حقیقت آن است که منطق بحث از ماده استدلال را نیز بر عهده دارد، و بیان می‌کند که اندیشه صحیح با چه ماده و بر چه هیأتی شکل می‌گیرد. (منطق، ترجمه و اضافات علی شیروانی، ج، ص ۲۳؛ پاورقی از غلامرضا فیاضی)

## چکیده

۱. منطق را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ابزاری است قانونی که مراعات آن، ذهن را از لغزش در اندیشه مصون می‌دارد.»
۲. کلمه «مراعات» برای بیان این است که صرف دانستن قواعد منطقی کافی نیست؛ بلکه باید در مقام عمل به کار بسته شود، آن هم به‌طور دقیق و صحیح؛ وگرنه جلوی خطا را نمی‌گیرد.
۳. کلمه «ابزار» اشاره دارد به این که منطق از سنخ علوم آلی است؛ یعنی ابزار و مقدمه برای سایر علوم یا سایر هدف‌ها (هرچند علم نباشند) می‌باشد.
۴. کلمه «قانونی» بیان می‌کند که منطق، شامل ابزارهای عام و فراگیر برای سنجش فکر صحیح است که در همه علوم و فنون کاربرد دارد و جزئی و موردی نیست.
۵. قید «ذهن را از لغزش در اندیشه مصون می‌دارد» علوم دیگر را خارج می‌کند؛ چون علومی مثل صرف، نحو و اصول نیز ابزارهایی قانونی هستند که مانع از خطا می‌شوند اما فقط منطق است که جلوی خطای «ذهن» در «اندیشیدن» را می‌گیرد.



# آزمون



## دانش افزایی

### ۱. انواع خطای ذهن

ذهن آنگاه که تفکر می‌کند و اموری را مقدمه برای امری دیگر قرار می‌دهد ممکن است صحیح عمل کند و ممکن است دچار خطا گردد. منشأ خطا ممکن است یکی از دو امر ذیل بوده باشد:

۱. آن مقدماتی که آنها را پایه قرار داده و معلوم فرض کرده خطا و اشتباه باشد؛ یعنی مقدماتی که مصالح استدلال ما را تشکیل می‌دهد فاسد باشد.

۲. نظم و شکل و صورتی که به مقدمات داده شده غلط باشد؛ یعنی هر چند مصالح استدلال ما صحیح و درست است ولی شکل استدلال ما غلط است.

یک استدلال در عالم ذهن مانند یک ساختمان است. یک ساختمان آنگاه کامل است که هم مصالحش بی‌عیب باشد و هم شکل ساختمان روی اصول صحیح ساختمانی باشد. هر کدام از اینها اگر نباشد آن ساختمان قابل اعتماد نیست. مثلاً اگر گفتیم «سقراط انسان است، و هر انسانی ستمگر است، پس سقراط ستمگر است» این استدلال ما از نظر شکل و صورت صحیح است اما از نظر ماده و مصالح فاسد است؛ زیرا آنجا که می‌گوییم «هر انسانی ستمگر است» درست نیست. اما اگر بگوییم «سقراط انسان است، سقراط عالم است، پس انسان عالم است» ماده و مصالح استدلال ما صحیح است [ولی] شکل و نظام آن منطقی نیست، لذا نتیجه غلط است.

خطا سنجی منطق ارسطویی منحصرأً مربوط به شکل و صورت استدلال است، اما سنجش خطای ماده استدلال از عهده منطق ارسطویی خارج است. لهذا منطق ارسطویی را «منطق صورت» می‌نامند. اما آیا منطقی در جهان به وجود آمده که خطا سنج ماده و مصالح استدلال باشد یا نه، مطلبی است که بعداً در باب قیاس در این باره بحث خواهیم کرد. از مجموع آنچه گفته شد معلوم گشت که ارزش منطق ارسطویی این است که خطاسنج عمل فکر کردن است، یعنی خطاسنج صورت و شکل استدلال‌های انسانی است؛ اما این که منطق، چه قوانینی برای درست استدلال کردن عرضه می‌دارد، مطلبی است که با مطالعه تفصیلی منطق روشن می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۲. منطق، دستوری یا توصیفی؟

برخی از غربی‌ها، علوم را به توصیفی و دستوری تقسیم می‌کنند. مراد از علم توصیفی، دانشی است که جهان واقع را آن‌چنان که هست توصیف می‌کند؛ مانند ریاضیات، هیئت، شیمی، فیزیک و روان‌شناسی.

<sup>۱</sup> مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (آشنایی با منطق)، ج ۵ ص ۴۶

مراد از علم دستوری، دانشی است که با در نظر گرفتن اهدافی، به انشای بایدها و نبایدها می‌پردازد؛ مانند ادبیات، اخلاق و زیباشناسی.

اگر چنین دسته‌بندی را برای علوم بپذیریم، منطق از جمله علوم توصیفی خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۳. فرق علوم مقدماتی و اصالی

تفاوت اصلی علوم آلی با اصالی این است که علم آلی در صورت نبودن علم مطلوب از آن، موجود نمی‌شود. مثلاً علم اصول نسبت به علم فقه نیز از علوم آلی است. زیرا اگر علمی به نام فقه نبود، جایی برای علم اصول نیز نمی‌بود. لذا از ویژگی‌های علوم آلی این است که همواره متأخر از علوم اصالی یافت می‌شوند. یعنی ذهن بشر ابتدا به کشف علوم اصالی نایل می‌شود و سپس به علوم آلی دست می‌یازد.

از دیگر ویژگی‌های دیگر علوم آلی این است که بیشتر جنبهٔ قالبی دارند تا محتوایی. مثلاً وقتی در علم جبر اتحادها را با حروف رمزی  $a, b, c$  و... بیان می‌کنیم قالب استدلال را تبیین می‌کنیم و نظر به ماده و کمیت خاصی نداریم. باید توجه کرد که هر علمی که بتوان در علم دیگر از آن استفاده کرد، علم آلی نیست؛ بلکه علم آلی آن است که از ابتدا برای به‌کارگیری در علم دیگری تحقق یافته است.<sup>۲</sup>

### ۴. ارتباط منطق با سایر علوم

رابطه منطق با دیگر دانش‌های بشری را در دو ساحت «معرفتی» و «آموزشی» می‌توان بررسی کرد:

۱. معرفتی: علم منطق از جمله علوم ابزاری و مقدماتی است که ناظر بر قواعد عام اندیشه است و رسالت خطاسنجی تفکر را به دوش می‌کشد. از این رو تمام دانش‌های دیگر به آن محتاج‌اند و آن را «خادم» و «مادر علوم» نامیده‌اند. علم منطق به عنوان یک «روش» و امدار هیچ دانشی نیست؛ زیرا هر دانشی دست کم در چگونگی تعریف مجهولات و نیز درستی استدلال‌های خود نیازمند به علم منطق است؛ ولی منطق در ارائه روش‌های صحیح اندیشه، به هیچ دانشی نیاز ندارد.

نکته مهم و شایستهٔ دقت و تأمل این است که اگر چه منطق به عنوان یک «روش» به علم دیگری محتاج نیست، اما به لحاظ پیش‌فرض، به علم دیگری به نام «معرفت‌شناسی» نیازمند است.

معرفت‌شناسی دانشی است که به تبیین توانایی عقل در رسیدن به واقع و ارزیابی دانش انسانی و معیار صحت و سقم آن می‌پردازد. در این علم، یکی از پرسش‌های اساسی این است که آیا اندیشه انسان توان کشف حقایق هستی را دارد؟ آیا با وجود خطا در ادراکات بشری، می‌توان به ابزار ادراک (حس و عقل) اعتماد کرد؟

معرفت‌شناسی به عنوان شاخه‌ای خاص از علوم فلسفی، سابقه طولانی ندارد. جان لاک و لایب‌نیتس نخستین کسانی هستند که مسائل معرفت‌شناسی را به طور منظم و مستقل مورد بحث قرار داده‌اند. مباحث معرفت‌شناسی در فلسفه و

<sup>۱</sup> منتظری مقدم، محمود؛ منطق ۲؛ ص ۴۵، پاورقی ۱

<sup>۲</sup> مظفر، محمد رضا؛ ترجمه و اضافات علی شیروانی؛ ج ۱، ص ۲۳؛ پاورقی محسن غرویان.



منطق اسلامی به طور پراکنده در ابواب گوناگون مطرح شده است و بسیاری از آنها صبغه وجودشناسانه و نه معرفت‌شناسانه دارد.

با توجه به این که منطق، توانایی رسیدن عقل بشر به واقع را پذیرفته و نحوه درست جریان اندیشه و به‌کارگیری صحیح عقل در رسیدن به واقع را بیان می‌کند، بنابراین به لحاظ «پیش‌فرض» معرفت‌شناسی بر منطق مقدم است؛ یعنی نخست باید توانایی عقل در رسیدن به مجهول اثبات شود و سپس نوبت به روش کشف مجهول برسد. پس منطق و معرفت‌شناسی دو علم متفاوت و در طول یکدیگرند.

۲. آموزشی: به لحاظ آموزشی جای این سؤال است که: مرتبه منطق چیست؟ به لحاظ تحصیلی بر کدام علوم مقدم و از چه علمی مؤخر است؟

گذشتگان بر این باور بودند که علم منطق را باید بعد از آموختن ریاضیات و تهذیب نفس فراگرفت؛ زیرا پس از ریاضت دادن نفس به ریاضیات، خردورزی در شخص تقویت شده و برای دریافت مباحث منطقی آماده می‌شود. از سوی دیگر اگر دانش‌پژوه به فضایل اخلاقی آراسته نباشد، چه بسا از توان‌مندی فکری حاصل از منطق، در راه ناصواب بهره‌گیری و به جای به‌کاربردن استدلال‌های صحیح و پرهیز از سخن ناصواب، در دام تزویر گرفتار و موجب گمراهی خود و دیگران شود و موجب گمراهی خود و دیگران شود.

برخی از متأخران که در محیطی متفاوت با گذشتگان بوده‌اند، آموختن علم ادب (صرف، نحو، معانی، بیان و...) را مقدم بر منطق، فلسفه، کلام و سایر علوم استدلالی دانسته‌اند<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> منتظری مقدم، محمود؛ منطق ۲؛ ص ۵۴ و ۵۵.

## پژوهش و تمرین

۱. چند نمونه از علوم آلی و اصالی را نام ببرید.  
(حیدری، سید کمال؛ شرح کتاب المنطق؛ ج ۱، ص ۲۶)
۲. تعریف‌های مختلف از علم منطق را توضیح دهید.  
(خندان، علی اصغر؛ منطق صوری؛ ص ۳۸-۳۹)
۳. تعریف ابن سینا از منطق را تبیین کنید.  
(ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ دانش‌نامه علائی؛ ص ۹ / همو؛ نجات؛ ص ۹)
۴. قید «استدلالية» در عبارت «حتى ينتقل ذهنک الى الافکار الصحيحة فی جميع العلوم الاستدلالية» چه لزومی دارد؟ با توجه به این که در متن المنطق این قید وجود ندارد و مؤلف محترم کتاب «دروس فی علم المنطق» آن را افزوده‌اند. (دروس فی علم المنطق؛ ص ۱۲ / المنطق؛ ص ۱۰)
۵. تحقیق کنید: چه نقدی بر عبارت «علی ایه هیئة و ترتیب فکری» می‌تواند وارد باشد؟  
(حیدری، سید کمال؛ شرح کتاب المنطق؛ ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷)

## دانش‌نامه

ابن سینا، خواجه نصیر طوسی، قطب الدین شیرازی، مولی عبدالله، میرسید شریف جرجانی، کاتبی، منطق، تصورات، تصدیقات، استدلال، کمیت، جذر، فلسفه، علم رجال، علم حدیث، صرف، نحو، اصول فقه، مجتهد، معانی، بیان، بدیع، کلام (علم کلام)، تفسیر (علم تفسیر)، ریاضیات، طب، فیزیک شیمی، فصل.



## منابع

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ منطق دانشنامه علائی؛ همدان: دانشگاه بو علی سینا، ۱۳۸۳ هـ ش.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ الشفاء (المنطق)؛ ۴ ج، بیجا؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ هـ ق.
۳. جرجانی، میر سید شریف؛ التعریفات؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۰ هـ ش.
۴. حیدری، سید کمال؛ شرح کتاب المنطق؛ بغداد: موسسه فکری - فرهنگ امام جواد (ع)، ۱۴۳۶ هـ ق.
۵. خندان، علی اصغر؛ منطق کاربردی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۴ هـ ش.
۶. طوسی، خواجه نصیر الدین؛ اساس الاقتباس؛ ۱ ج، ۳؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ هـ ش.
۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ القواعد الجلیه؛ قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ هـ ق.
۸. قطب الدین رازی، محمد بن محمد بن ابی جعفر؛ تحریر القواعد المنطقیه؛ قم: بیدار، ۱۳۸۴ هـ ش.
۹. قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود؛ درة التاج؛ تهران: حکمت، ۱۳۶۹ هـ ش.
۱۰. محمدی، علی؛ شرح منطق مظفر؛ قم: انتشارات الامام الحسن بن علی علیهما السلام، ۱۳۸۶ هـ ش.
۱۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۰ هـ ش.
۱۲. مظفر، محمد رضا؛ المنطق؛ ۹ ج؛ قم: فیروزآبادی، ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۳. مظفر، محمدرضا؛ المنطق؛ ترجمه و اضافات علی شیروانی؛ پاورقی غلامرضا فیاضی و محسن غرویانی؛ قم: دارالعلم، ۱۳۸۷ هـ ش.
۱۴. منتظری مقدم، محمود، منطق ۱؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ هـ ش.
۱۵. منتظری مقدم، محمود، منطق ۲؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸ هـ ش.
۱۶. منتظری مقدم، محمود؛ دروس فی علم المنطق؛ ۲ ج؛ قم: نشر هاجر، ۱۳۸۵ هـ ش.
۱۷. نجم الدین علی الکاظمی القزوینی، الرسالة الشمسیة، ۱ جلد، انتشارات بیدار - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۴ هـ ش.
۱۸. یزدی، عبد الله بن شهاب الدین الحسین؛ الحاشیة علی تهذیب المنطق؛ قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ هـ ق.